



# خانواده و خلاءهای تربیتی

دکتر علی قائمی

مقدمه:

شد که ما از برخی کارهای مهم و اساسی و حتی برنامه‌ریزی‌های اندیشیده غافل بمانیم:

۱- سرمستی و نشاط حاصل از این پیروزی معجزه آساکه حتی برای عده‌ای غیر قابل باور بود.

۲- تحمیل جنگی ناخواسته بر مردم ما، از سوی عوامل قدرتهای استکباری.

## هجوم دشمن

دشمن بیدار و آگاه با توجه به وضع و حال ما، از دوسوی بر ما هجوم آورد:

۱- در جبهه‌ها و مرزها، در قالب حمله‌ها، آتش‌افروزیها، ویران‌کردنها، نابود ساختن‌ها و و قیحانه وارد خانه و سرای ما شدن.

۲- در جبهه درون، در چهره پوساندن اندیشه‌های فقیر و بی مایه، و از کارانداختن اذهان، و حتی دستبرد به شرافت‌های کسانی که

واقعه‌ای بس عظیم و حیرت‌انگیز در عصر ما و در دوران حیات ما اتفاق افتاده و نسل ما شاهد مهمترین و عظیم‌ترین رخدادهای تاریخی خویش، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

آری، انقلاب عظیم اسلامی ما مهم است، بدان خاطر که پایه‌های فکری و حکومتی چند هزارساله را وازگون کرد، نظام مسلط و ریشه‌دار حکومت طاغوت را درهم فروریخت، و نظامی جدید براساس خط و اندیشه قرآنی جایگزین آن کرد. این واقعه از دید جامعه چندان مهم بود که آن را هدیه‌ای خداداد تلقی کرد و همگان از آن شاد و خرسند شدند.

پس از پیروزی این انقلاب مردمی و اسلامی به ترمیم ویرانی‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و پر کردن خلاءهای موجود ناشی از حکومت طاغوت پرداختیم، ولی دو مسأله و جریان سبب

زمینه و آمادگی پذیرش آن را داشتند. در این عرصه صدماتی حاصل شد که اگر مراقب نباشیم خطر و زیان آن کمتر از آسیب و عارضه جنگ نخواهد بود. و بدین سان ما با هجمه و آسیب‌رسانی دشمن از یک‌سو، و تهاجم پذیری گروهی از افراد جامعه از سوی دیگر مواجه شدیم، که این دومی ناشی از آثار خلاءهای تربیتی در خانواده‌ها و در نتیجه در روح نسل جوان جامعه ماست.

### قربانیان حادثه

در اجرای طرح دوم دشمن، یعنی پوساندن اندیشه‌ها و از کار انداختن فکرها و ذهن‌ها، بیشتر نسل نوجوان و جوان مورد نظر است، یعنی امیدهای حال و آینده اسلام و انقلاب، و همانها که وارثان نسل انقلاب کرده و خون‌داده‌های جامعه‌اند و پس از ما باید پیام خون و رسالت تاریخی ما را به گوش جهانیان برسانند.

اینکه ما دشمن را بیدار و آگاه خوانده‌ایم، به خاطر همین مسأله است. او می‌داند که در باره کدام نسل و گروه برنامه‌ریزی کند تا به هدف و مقصد خود بیشتر و بهتر نایل آید. او می‌داند که نسل نوجوان و جوان غنی‌ترین و ارزنده‌ترین سرمایه‌های یک کشورند و اگر اینان از نظر فکر و روح سالم و زنده باشند، جامعه آینده‌ای خوب و امیدوارکننده خواهد داشت و اگر آنها بپوسند و فانی گردند، جامعه رو به فنا خواهد بود.

### وضع و شرایط امروز ما

امروز براساس اظهار نظر بسیاری از والدین و مربیان، معلمان و مسؤولان تربیت، گردانندگان چرخهای نظم و انتظام کشور و هشدارهای نظام

### تهاجم‌ها

در جامعه ما سائهاست که سخن از تهاجم فرهنگی و فکری و مواضع خصم در به سقوط کشاندن نسل نوجوان و جوان، آلوده کردن اندیشه‌ها و دامن‌ها، مبتذل کردن حیات انسانی و در نهایت سرکوب کردن اسلام و انقلاب است، و در این عرصه هشدارهای بسیار از سوی مسؤولان جامعه و در رأس آن مقام معظم رهبری داده شده است.

تهاجم فرهنگی امری است عیان، همه فهم و ساری و جاری در همه مناطق که شرح ماقع آن نیازی به نشانه‌یابی و اثبات و پژوهش و جست‌وجو ندارد. همه افرادی که در جامعه آمد و شد دارند و بسیاری از والدین و مربیان آن را در محیط اطراف و حتی در خانه خود می‌بینند. جلوه‌های این تهاجم در نحوه پوشش پسران و دختران، در نوع آرایش‌ها و مشی‌ها، در نحوه روابط آشکار و پنهان آنها با افراد، در چگونگی گذران اوقات فراغت آنها و حتی در

ارتباطات مدرسه‌ای و کوچه و خیابانی آنان به چشم می‌خورد.

گیرد:

- الف - از جنبه مشکل آفرینانی که چنین وضع و شرایطی را پدید آورده‌اند.  
ب - از جنبه آفت پذیران و نسلی که در معرض تهاجم و پذیرای آسیب‌هاست.

### حرکتی و قیحانه

به نظر ما دشمن این بار بی پرده و وقیحانه، پرخاشگرانه و ستیزه جویانه، خائنانه و ناجوانمردانه وارد میدان شده است و این دعوی از آن بابت است که طعمه‌های خود را از میان نسلی برگزیده که هنوز به حد لازم قدرت درک و تحلیل مسائل را ندارند و خام و بی تجربه، بی غم و فارغ و به دور از همه طراحی‌های خیانت آمیز و برنامه ریزی‌های رسواکننده‌اند.

این بار حربه دشمن عنصر فرهنگ است، نه اقتصاد، مدخل نفوذ او فکر است، نه بدن، هدف او شرف است، نه درس و بحث و بالاخره مقصدهایی او انهدام است، نه ضربه زدن تنها. از این رو تلاشهایی دارد اندیشیده و اندیشه سوز از نوع:

- تهیه و پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، فراهم سازی و نشر نوارهای ویدئویی شرف سوز، نگارش و پخش کتب و نشریات آلوده، طراحی و ترویج پوشش‌ها و آرایش‌های ویژه و برباد دهنده مبانی انسانیت و اخلاق، عرضه و تشویق مصرف مواد آلوده کننده و اعتیاد آور، طراحی و ترویج مدهای نشانه دار برای درآمدن و شناخته شدن در سلک گروههای منحرف و مبتذل چون: پانک، رپ، هوی متال و...

### تحلیل ما از مشکل

مشکل موجود که دامن گروهی از نسل ما را گرفته، باید از دو دید و نگرش مورد تحلیل قرار

### الف - در جنبه مشکل آفرینان

این برای ما و جامعه ما مهم است که ببینیم مشکل آفرینان چه کسانی هستند و با چه انگیزه‌هایی برای ما برنامه ریزی و طراحی می‌کنند؟ چرا و به چه علت در پی براندازی و آلودگی نسلند؟ به نظر ما پاسخ این سؤالات روشن است. مشکل آفرینان آنانی هستند که:

- در سایه تحول فکری ناشی از انقلاب، از وصول به مطامع خود مأیوس شده‌اند.

- خط فکری اسلام و پیروزی آن برایشان صدمه آفرین بوده است.

- مقابله ما با اندیشه آنها و موفقیت ما در این مقابله، غرورشان را شکسته است.

- دوست ندارند اسلام و قرآن در جامعه‌ای حیات داشته باشد.

- باخط اسلام راستین از روزگاران قدیم تا حال در مبارزه بوده‌اند.

- چشم آن راندارند که به تماشای آزادی و استقلال خون داده‌ها و جان داده‌ها بنشینند.

- و اصولاً بیداری یک ملت برای آنها مزاحمت آفرین است. آرزویشان این است که

ملتها در خواب و آلودگی و تخدیر باشند تا آنها بتوانند اهداف و مقاصد پلیدشان را تعقیب کنند

و رمز بقای آنها و هر دزد فرومایه‌ای همین است.

## روح استثمار

در بررسی و تحلیل وضع و حالات مهاجمان، به این نکته هم می‌توان اشاره داشت که اینان در سایه تربیت غیر انسانی و خائنه دارای روح استثمارند. مقصدشان استضعاف، استعباد و استثمار فکرها، فرهنگ‌ها و ملت‌هاست، منطق‌شان فریب، کلاه‌گذاری و در نهایت اعمال زور است و شیوه نهایی برای تسلیم، دریدن، بیچاره کردن و به خاک نشانیدن است.

اینان عمری را بر اساس تجاوز کاری، ستم، تبعیض و عدم پای‌بندی به شرافت انسانی و آدمیت و اخلاق گذرانده، در جو خیانت‌ها و دفاکت‌ها پرورش یافته و راه و رسم جنایت را از اجداد مجرم و تبعید شده خود آموخته‌اند. به همین خاطر دست خیانت اینان به سوی همه ملتها دراز بوده، چشم طمعشان به سوی هر لقمه‌ای که انسانی در گوشه‌ای از این جهان وسیع به دهان می‌گذارد باز است، و مطامع آنان ایجاب می‌کند که خود را در همه مالکیت‌های مناطق جهان سهیم و شریک بدانند.

شما در کدام نقطه جهان جنایت و فساد را مشاهده می‌کنید که دست غرب در آن دخالت نداشته باشد؟ کدام مظلوم به خون خفته‌ای را می‌شناسید که اثر گلوله غرب بر مغز و پیکرش عیان نباشد؟ و کدام کودتا و خونریزی را در منطقه‌ای از جهان سراغ دارید که اثر انگشت آنها در آن به چشم نخورد؟

## نظام تربیتی متجاوز پرور

آری، از نظر ما نظام تربیتی غرب، نظامی

متجاوز پرور است. اگر امروزه امریکا را کشوری متجاوز می‌بینید، بدان خاطر است که نظام تربیتی آن متجاوز پرور است. اگر فرانسه را جامعه‌ای فاسد و عیاش می‌بینید، بدان خاطر است که نظام تربیتی آن عیاش پرور است. و اگر انگلیس را در عرصه بین‌المللی حیل‌گر و مکار می‌یابید، بدان علت است که نظام تربیتی آن مکر و القاء را به دولتمردان آن سرایت داده است و اصولاً مردم هر جامعه آئینه وضع تربیت و فرهنگ آن جامعه‌اند.

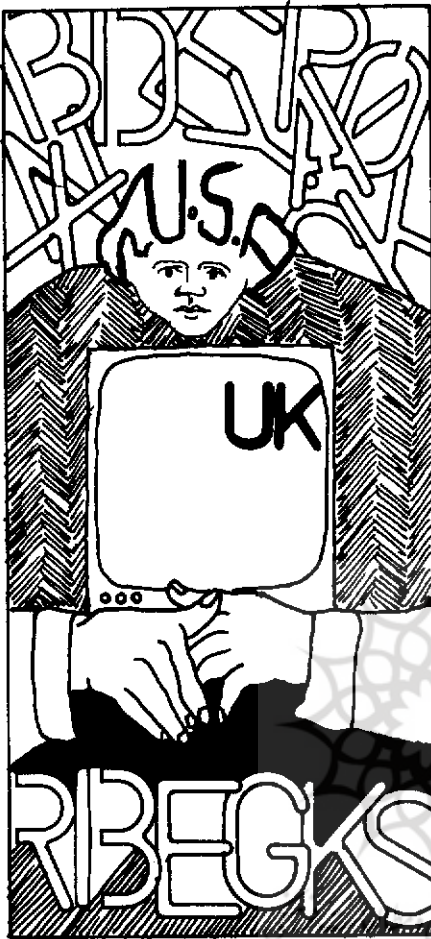
و بدین‌سان؛ ما را از آمریکا و انگلیس انتظاری جز مکر و تهاجم و فساد نیست، به همان‌گونه که ما را از عقب و افعی انتظاری جز گزیدن، و از گرگ و پلنگ انتظاری جز دریدن، و از روباه جز مکر کردن و از میمون جز ادا و اطوار نیست.

و طبیعی است که موضع ما در قبال آنها موضع نفی بینش الحادی آنها، موضع طرد و رد، موضع برخورد با دشمن و موضع نفرین و شعارهای ضد باشد - إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمُ عَدُوٌّ، فَأَتَّخِذُوهُ عَدُوًّا سَخِنَ خَدَاوندگار است.

ولی فراموش نکنیم که این یک روی سکه و یک جانب قضیه است. دشمن را باید دشمن دید و از آن باید برحذر بود. اما روی دیگر سکه که به نظر ما مهم‌تر است، مسأله دوم ماست که باید به آن عنایت داشت.

## ب - در جنبه مشکل‌پذیری

در این عرصه باید از خود یاد کنیم و از نسل نوجوان و جوان خود، از پسران و دختران دست پرورده خود که دارای جنبه آسیب‌پذیری و تهاجم‌پذیری هستند و برنامه و ترفند دشمن را می‌پذیرند و به آن جامه تحققی می‌پوشانند.



عقیده‌اند، و ادای رپ‌ها و... را در می‌آورند.

### پرسش این بحث

پرسش ما از خود و مسؤلان تربیت این است که چرا بخشی از نسل نوجوان و جوان ما این چنین شده‌اند؟ چرا در عده‌ای از دختران و پسران این مرز و بوم، آن هم در کشوری اسلامی حرکت و سیر به سوی فساد وجود دارد؟ اگر امریکا خیانت می‌کند، چرا اینان به خیانت تن در می‌دهند؟ اگر غرب تهاجم دارد، چرا اینان

- دشمن تهاجم فرهنگی دارد و آنها از این تهاجم با آغوش باز استقبال می‌کنند.  
- دشمن برنامه آلوده کردن رابرای نسل طراحی می‌کند و اینان آن را مورد اجرا و عمل قرار می‌دهند.  
- دشمن زمینه فساد را فراهم می‌سازد و آنها مشتاقانه آن را مورد توجه و عنایت قرار می‌دهند.

### تأسف ما

تأسف ما از چند جهت است. یکی از آن جهت که عده اینان هر قدر اندک باشد بخشی از تنه جامعه ما را تشکیل می‌دهند و جزء ابواب جمعی ما به شمار می‌آیند. ما آنها را تربیت کرده‌ایم و اینک حاصل تلاش خود را بریاد رفته احساس می‌کنیم.

دیگر اینکه بسیاری از آنان در خانواده‌های به ظاهر مذهبی و یا لاقبل در دنیای پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرورش یافته‌اند و یا در بین کسانی بوده‌اند که آن کسان متکر اسلام و مذهب نبوده‌اند و حداقل دعوی‌شان ایرانی بودن و پای‌بندی به ملیت خود بوده، ولی در عمل ثناگوی غرب و مصرف‌کننده دستپخت آنها شده‌اند.

خلاصه کلام اینکه امروز ما با گروهی از نوجوانان و جوانان مواجهیم که: والدین و مربیان خود را قبول ندارند، نسبت به خط و روش آنها معترضند، غذای فکری غرب بیشتر به کام آنها مزه می‌دهد، حتی برخی از آنها هوس زندگی در دیار غرب را در سر می‌پروراندند، غربی شدن ایران لاقبل در بعد هنجارها و ارزشها برای آنها مطلوب است، بی‌بندوبارند، قانون‌گریزند، بی‌ایمان و بی

می‌اندیشند؟

- چرا برخی از والدین و مربیان خط روشن و ارزیابی شده‌ای در امر تربیت ندارند؟
- چرا مسأله تربیت و دانش تربیت در نزد خانواده‌ها مهمل انگاشته می‌شود؟
- مگر حاصل این بی‌عنایتی‌ها را در نسل خود و دیگران نمی‌بینند؟
- مگر با توجه به عوامل رشد در نمی‌یابند که سعادت و یا بدبختی هر ملتی صرفاً در گرو تربیت آنهاست؟
- مگر پیامبران فلسفه اعزام خود را در تربیت و رشد اخلاقی نسل خلاصه نمی‌دیدند؟

مقصر کیست؟

در مورد گروه و نسلی که از والدین و مربیان خود گسسته و به خط رپ و پانک پیوسته‌اند همگان مقصریم و مسؤول. هیچ‌کس در این کشور و این جامعه، از کسانی که دست‌اندرکار خانواده و تربیت نمی‌توانند خود را در برابر شرایط موجود تبرئه کرده، بی‌گناه بشناسند، بار مسؤولیت و عقوبت بردوش همگان سنگینی می‌کند.

اما از نظر ما مقصر اصلی این تفکیک فرهنگی خانواده‌ها هستند. پدران و مادرانی که چنین نسلی را پرورده و تحویل جامعه داده‌اند، در پیشگاه خدا و عقل و وجدان محکومند و مسؤول. آنها باید در پیشگاه خدا پاسخگو باشند که:

چرا در چوپانی نسل غفلت و مسامحه داشته‌اند؟ چرا برای تربیت اسلامی و انسانی نسل آگاهی‌های لازم را کسب نکرده‌اند؟ چرا چون چوپانی بیدار در این مرتع پراز گریز و درنده‌های داخلی و خارجی، ناظری بیدار و

تهاجم را می‌پذیرند؟ دزد برای دزدی به خانه‌ای می‌رود، چرا صاحبخانه بیدار نیست؟ چرا اینان به خط کفر گرایش دارند؟ چرا الگوی غربی را پذیرا هستند؟ مگر اینجا کشور قرآن نیست؟ مگر کشور علی (ع) و فاطمه (س) نیست؟ پس چرا الگوی آنان آلوده‌های غربی شده است؟ ریشه این ویرانی در کجاست؟ راه اصلاح آنها کدام است؟

اعتراف تلخ

آری، اعترافی تلخ و جانگزااست، ولی ما را از آن گریزی نیست. اعتراف ما این است که:

- عده‌ای از والدین و مربیان در خط نبوده و پس از پیروزی انقلاب هم در خط قرار نگرفته‌اند.

- بسیاری از خانه‌ها در و پیکر و حفاظ نداشته است.

- برخی از مدارس و کلاسها و معلمان و مربیان را توان سازندگی نبوده است.

- احساس مسؤولیت در برابر سرنوشت نسل یا موجود نبوده و یا اگر وجود داشته، ناشیانه، نیندیشیده، سطحی و ظاهری و یا احساسی بوده است.

شگفتی ما

با ملاحظه چنین شرایط و احوالی ما را این شگفتی وامانده می‌سازد که:

- چرا برخی از خانه‌های این مرز و بوم بی‌بهارتر از کندوی زنبور عسل است؟

- چرا در ورود و خروج این خانه‌ها کنترل و مراقبتی برای صادرات و واردات آنها نیست؟

- چرا اولیای خانه به فکر تغذیه فکری اهل خانه نیستند و تنها به خوراک و لباس تن

می‌کنند، ناگهان پا بر روی ترمز گذازده، برای اتومبیل وسر نشینان وافراد بیرون مشکل می‌آفرینند. آنها هرگز در این فکر نبوده‌اند که سرعت سیر را منظم کنند، فن رانندگی را نیکو بیاموزند و براساس برنامه و داشتن مقصدی به پیش بروند. آنها باید بدانند: حدها، ضربها و حبس‌ها، صرفاً دارای نقش بازدارندگی است، نه سازندگی. اگر تنها با تنبیهات، سازندگی حاصل می‌شد، حیوانات و مرکبها باید عاقلترین‌ها باشند؟!

اصل در تربیت ایجاد زمینه برای رشد و سازندگی و ایجاد و تقویت باور در افراد در مورد آن چیزی است که ما به افراد می‌آموزیم. و این همان مسأله‌ای است که خانه‌های ما از آن دور و برکنار بوده، موضوع بحث خلاء تربیتی است.

### مسأله تربیت

مشکل عمده ما مشکل تربیت است و والدین و مربیان را این باور و آگاهی باید حاصل شود که تربیت امری اندیشیده، جهت‌دار و هدفمند است. محتوا دارد، شیوه و روش دارد، سنجش و ارزیابی دارد، کنترل و نظارت دارد، مدیریت و توان اجرایی لازم دارد، داشتن دورنما و تصویری از ثمره تربیت را می‌طلبد و از همه مهمتر:

اجرا و تحقق اهداف آن به والدین و مربیان آگاه، مدیر و مدبر نیازمند است، باغبان خیره و صاحب‌نظر برای پرورش نهالها را می‌طلبد، آبیاری اندیشیده و به موقع نیاز دارد و... و خلاء ما در خانواده در ارتباط با همین امور است.

ادامه دارد

مراقب نسل نبوده‌اند؟ چرا در برابر آزادی خواهی‌های بی حساب نسل راه سکوت و مسامحه را در پیش گرفته‌اند؟ و بالاخره چرا با غفلت و تجاهل خود برای جامعه شر آفریده‌اند؟

آری، خانواده امروز در برابر نابسامانی‌های موجود گروهی از دختران و پسران مقصراست از آن بابت که:

- در تشکیل خانواده هدف ارزنده‌ای نداشته، در تولید و تربیت نسل از مقصدی روشن و ارزیابی شده برخوردار نبوده و در تربیت فرزندان روش اندیشیده‌ای را به کار نیسته است. خانه آن در و دیوار و حفاظی نداشته و بر ورود و خروج این خانه مراقبتی صورت نگرفته است. مغز و روح نسل با آب تربیت اسلامی آبیاری نشده و بالاخره خلاء تربیتی برخانه حاکم بوده است.

### مواضع در برابر لغزش

آنها که مشی و حرکتی را لغزش دانسته و بر آن آگاهی یافته بودند، در صدد معارضه برآمده و به اتخاذ موضع پرداختند، ولی در این طریق: - تنها راه منع و نهی را در پیش گرفتند، نه راه سازندگی را، موضع تهدید و حبس و زجر را در پیش گرفتند، نه راه اقتاع فکری را، روش اخراج و راندن و طرد را اجرا کردند، نه راه اصلاح خط، جهت دهی و هدایت را و آثار چنین اقداماتی در مواردی زیانبار و بسیار فاجعه آمیز بود.

متأسفانه والدین در راندن اتومبیل تربیت تنها به دودال عنایت دارند: پدال‌گاز و پدال ترمز. پا بر روی گاز نهاده و اتومبیل را با سرعت به پیش می‌رانند و آنگاه که خطری را احساس